بررسی گوشه‌ای ازجایگاه علمی و مقام روایی بانو زینب کبری (س)

مهدی مؤمنی*

چکیده: بانو زینب کبری(س) را باید در فصاحت، بلاغت، زهد، عقل، دانش، صبر و... پس از مادرش زهرا(س) سرآمد زنان دانست. اشتهار او به نقش‌آفرینی در کربلا و در کاروان اسراء و تأثیر حضورش در مغلوبه کردن آثار جنگ طف، موجب غفلت از دیگر ابعاد شخصیّتی وی شده و صبر و شکیبایی بی‌نظیری که وی در ماجرای کربلا از خود به ثبت و ظهور رسانید، جمیع صفات حمیدهٔ وی را تحت الشعاع قرار داده است.
این مقاله قصد دارد با نظر به جایگاه علمی و مقام روایی این بانو، به بررسی این بعد پرداخته، بخشی از احادیث مروی از این بانوی محدّثه را معرّفی کند.

کلیدواژه: زینب کبری(س) / محدّثات / عقیله / شیعه / علیّ‌بن الحسین علیه‌السلام.

*. دبیر انجمن پژوهشی ـ مذهبی کادح، مهندس عمران و دارای تحصیلات حوزوی.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

مقدّمه

یا هلالاً لم استتم کمالا

هنگامی که به صفحات تاریخ می‌نگریم، در می‌یابیم که حضور مردان در تاریخ، بسیار بیشتراز زنان است. بسیارند بانوان بزرگ، ادیب، فاضل و خردمند که در لابه‌لای صفحات تاریک تاریخ، به دست فراموشی سپرده شده‌اند؛ به طوری که تاریخ یا از احوال و آثار و زندگی آنان بی اطّلاع است یا به طور مقطعی و در شرایط خاص، مورد توجّه قرارگرفته و سپس فراموش شده‌اند. شاید بتوان گفت که در بسیاری موارد، برخی حقایق در مورد آنها به تحریف کشیده شده است.

این بی‌مهری به بانوان فاضل در عرصهٔ تاریخ اسلام نیز به چشم می‌خورد. با تورّقی در میان صفحات کتب تاریخی مربوط به آن عصر، می‌بینیم اکثر مورّخین مسلمان به تفصیل، به بررسی و ثبت احوال همسران پیامبر، اهتمام کرده و به شرح و بسط زندگی آنان پرداخته‌اند، امّا متأسّفانه از شرح حال برخی از زنان صحابه و دختران و زنان خاندان رسالت، اخبار زیاد و موثّقی در دست نیست. قطعاً دلایل زیادی در این خصوص وجود دارد؛ امّا از میان آنها به دو نکته می‌توان اشاره کرد:

۱. از بین رفتن کتب و منابع تاریخی حاوی آثار و شرح حال این بزرگان.

۲. وجود حیا و عفّت که پیوسته، مانع از حضور در میان مردان، جز به ضرورت، شده است.

در هر حال، این دلایل و عوامل دیگر ما را از دستیابی به تاریخ این بانوان بزرگ محروم کرده است.

زینب(س)، دختر ارشد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام یکی از بانوانی است که اگر چه تاریخ درخشیدن بی‌نظیر او را پس از کشته شدن برادرش در کربلا، نتوانسته مخدوش یا گم کند، امّا از شرح حال این بانوی فاضلهٔ فرزانه پیش از این واقعه و پس از آن، اخبار موثّق و زیادی در دست نیست. مورّخان حتّی در مورد

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

محلّ دفن وی نیز همچون مادر بزرگوارش، اختلاف نظر دارند.[۱]

تنها در همین برههٔ کوتاه می‌توان فضل وکمال وی را بررسی کرد؛ یعنی از آغازین لحظهٔ قیام او بر تلّ زینبیّه تا بازگشت به موطن اصلی‌اش شهر مدینه. در همین زمان است که بلاغت، فصاحت، علم، فضل، زهد و شجاعت بانو متجلّی شد. خطبه‌های کوفه وشام وی تنها نشان‌دهندهٔ نقش او در احیای دین جدّش و تداوم نهضت برادرش نبود، بلکه در تبلور این خطبه‌ها فصاحت وبلاغت و علم او جاری شد.

او همچون مادرش زهرا علیها السلام و پدرش علی علیه السلام با تکیه بر قرآن و علوم نبوی، برای تداوم نهضت احیاسازی دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در معیّت امام علیّ‌بن الحسین علیه السلام به استدلال با حاکمان وقت و افشاسازی ماهیّت ضدّدینی حکومت اموی پرداخت و پس از آنکه امور را به برادرزادهٔ خود علیّ‌بن الحسین علیه السلام سپرد، همچون گذشته، در تاریخ ناپدید شد.

بی‌تردید، تاثیر شگرف حضور زینب(س) درکربلا و درکاروان اسرا و نقش وی در مغلوبه‌کردن آثار جنگ طف، منظور نظر بسیاری به طور خاص و عام بوده وبررسی شده است. این مقاله قصد دارد تنها به گوشه‌ای از جایگاه علمی و مقام روایی حضرت زینب کبری(س) در شش بخش از منابع معتبر و معاصر شیعی و اهل سنّت بپردازد :

۱. جایگاه علمی زینب کبری(س)؛
۲. بانوی راوی؛
۳. زینب کبری(س) و اخبار عاشورا؛
۴. کسانی که زینب(س) از آنها روایت کرده است؛
۵. آنان که از او روایت کرده‌اند؛

---

۱ . نویسندهٔ اعیان الشیعه مقبرهٔ حضرت زینب را در مدینه می‌داند. (۹: ج ۷، ص ۱۴۰) ابن‌عساکر، عبیدلی و دیگران مدفن او را در مصر دانسته‌اند. (۱۳: ج ۸، ص ۶۰۲ ـ ۶۰۳) و برخی از علمای شیعه شام را مدفن وی می‌دانند. (۱۱: ص ۲۱۵)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

۶. برخی از احادیث مروی از زینب(س).

امید است این نوشته گامی، هر چند ناتوان، در جهت شناسایی عقیلهٔ بنی‌هاشم(س) باشد.

جایگاه علمی زینب کبری(س)

زینب، زینت پدر، دختر امیرالمؤمنین، علیّ‌بن ابی‌طالب (عبد مناف) بن عبدالمطّلب‌بن هاشم قرشی، مادرش فاطمه زهراعلیهاالسلام، دخت گرامی رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله است. در زمان حیات پیامبر به دنیا آمد. کنیه‌هایش امّ‌کلثوم، امّ‌عبدالله و امّ‌الحسن است. برایش کنیه‌های مخصوصی همچون امّ‌المصائب، امّ‌الرزایا، امّ‌النوائب ذکر کرده‌اند.[۱] هاشمیان در تاریخ او را «عقیله»ی[۲] خود معرّفی می‌کنند و این لقب منحصراً به زینب کبری(س) تعلّق دارد(۸: ص ۹۱) لقب دیگری را نیز به وی اختصاص داده‌اند که بازگو کننده علم و فضل فراوان اوست: «لبیبه»[۳].

نام مبارکش به وسیلهٔ جبرئیل بر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله عرضه شد و پیامبر فرمود: وصیّت می‌کنم حاضران و غائبان راکه حرمت این دختر را پاس دارید؛ همانا وی به خدیجهٔ کبری مانند است.[۴]

در خانهٔ وحی، در دامان فاطمهعلیهاالسلام و علیعلیه‌السلام دوران عمر را سپری کرد تا آنکه پدر، بنا بر صلاح امّت، در کوفه رحل اقامت گزید. آن گاه بود که کوفیان متوجّه مرواریدی در صدف بیت علیعلیه‌السلام گشتند. زنهای کوفه توسّط شوهرانشان، از امیرالمؤمنینعلیه‌السلام خواهش کردند اجازه فرماید تا آنان به حضور زینب(س) شرفیاب

۱. محدّثات شیعه، ص ۱۹۳.

۲. عقیله: جمع عقائل من النساء : الکریمة المخدّرة: بانوی گرامی و مخدّره. (المنجد)

۳. اللبیب، جمع البّاء، م لبیبه، جمع لبیبات و لبائب، العاقل: خردمند. (المنجد)

۴. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

شوند و از علم او بهره‌مند گردند. امیرالمؤمنین علیه السلام اذن فرمود و زنـها مـی‌آمدند و تفسیر قرآن مجید را از زینب(س) فرا می‌گرفتند. (۱۲: ص ۸۲)

این اوّلین تجلّی دانش زینب کبری(س) در جامعهٔ آن روز مسلمانان بود. اجازهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام به دانش‌آموز مکتبش برای تفسیر قرآن به زنان کوفه، خود بالاترین سند برای بیان جایگاه والای علم این بانوست.

پس از آن، بهترین سند در بیان جایگاه رفیع علمی وی، کلام معصوم معاصر او، امام علیّ‌بن الحسین علیه السلام است. امام سجّاد علیه السلام پس از خطبهٔ عمّهٔ بزرگوارش در شهر کوفه می‌فرماید: «... **أنتِ بِحَمدِ الله عالِمَةٌ غیرُ مُعَلَّمَةٍ وَ فَهِمَةٌ غَیرُ مُفَهَّمَةٍ**: تو بحمد الله، عالم آموزگار نادیده و خردمند نیاموخته هستی! (۱۴: ج ۲، ص ۳۰۱)

با تکیه بر این کلام معصوم، بی‌تردید، می‌توان گفت زینب کبری(س) متعلّم به علوم اکتسابی نبوده، بلکه بدون واسطه، علم را دریافت کرده است و این عجیب نیست؛ چراکه این خاندان خزّان علم و معادن حکمت‌اند. نک: زیـارت جـامعهٔ کبیره) شاید به دلیل همین ویژگی است که برخی معتقدند عقیلهٔ بنی‌هاشم دارای علم منایا و بلایا بوده است.[1]

نکتهٔ دیگر در بیان مقام علمی زینب(س) این است که به نظر می‌رسد، کلام او با یزید در مورد تعداد کشته‌شدگان سپاه کوفه تکیه بر مقام علمی وی دارد؛ آنجا که یزید گفت: «حسین با یارانش به کوفه آمد و ما به آنها تاختیم. آنها در حالی که به یکدیگر پناهنده شده بودند ما همه را کشتیم.» زینب(س) بـی‌درنگ فـرمود: «ای دروغگـو! شـمشیر بـرادرم خـانه‌ای را در کـوفه نگـذاشت، مگـر ایـنکه اهـل آن گریان‌اند.»[2]

با عنایت به اینکه غلوّ و زیاده‌گویی در کلام خاندان نبوّت جایی ندارد و دقّت به

۱. زینب کبری، ص ۵۸.
۲. خاتون دو سرا، ص ۲۴۰.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

این موضوع که زینب (س) تمامی خانه‌های کوفه را در سخن خویش، بدون استثنا، عزادار شمشیر امام حسین‌بن علی علیه‌السلام دانسته و تذکّر این نکته که در آخرین وداع سیّدالشهدا علیه‌السلام با اهل بیت، آنان از جانب او مأمور به استقرار در خیام شدند و پس از کشته شدنش از خیمه بیرون آمدند، می‌توان گفت این اطّلاع دقیق و آگاهی از حجم عظیم کشته‌شدگان سپاه کوفه، تکیه برعلم غیر طبیعی آن مخدّره دارد.

امّا نکتهٔ آخر اینکه درکتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه، در باب توقیعات، مرحوم شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) حدیثی از حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه‌السلام و عمّهٔ بزرگوار امام عصر (عج) نقل می‌کند و ضمن آن یاد آور می‌شود: «حسین علیه‌السلام وصایای خود را در ظاهر به خواهرش زینب(س) سپرد؛ برای پنهان کردن امامت پسرش علی‌بن الحسین علیه‌السلام (و در امان ماندن جان او).» (۴: ج ۲، ص ۱۷۸) این را نیز دلیل دیگری برای تبیین جایگاه رفیع علم عقیلهٔ بنی‌هاشم می‌توان شمرد؛ چراکه ازسوی امام حسین‌بن علی علیه‌السلام محرم سرّ ولایت و پاسبان آن گشت.[1]

از علم و فضل این بانوی ارجمند هر چه گفته شود، قطره‌ای از دریاست. آن چنان‌که سیّد محسن امین، در اعیان الشیعه، در توصیف او می‌گوید: «جلالت شأن و مقامش، بلندی مقام و منزلتش، قوّهٔ استدلال و برتری عقلش و ثبات و پایداریش را از خطبه‌هایش درکوفه، می‌توان ادراک کرد. فصاحت زبان و بلاغت کلامش در خطبه های کوفه و شام و... چنان است که گویا از زبان پدرش امیرالمؤمنین علیه‌السلام سخن می‌گوید.» (۹: ج ۷، ص ۱۳۷)

بانوی راوی

گنجینهٔ علوم و معارف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان پاکش مجموعه‌ای از احادیث و روایاتی است که از طریق راویان و محدّثین موثّق و متعدّد، به دست ما رسیده

۱. یاد آور می‌شویم که امام علی‌بن الحسین علیه‌السلام بی‌شک از طریق علم لَدنّی، تمامی وصایا و اسرار ولایت و امامت را از پدر در لحظه شهادت ایشان، به ارث برده و مقام امامت به ایشان واگذار گردیده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

است. اینکه کدام حدیث از احادیث معتبر است یا اینکه آیا راویان آن موثّق بوده‌اند یا نه، علوم گسترده‌ای را همچون علم حدیث و علم رجال، به خود اختصاص داده که بحث دربارهٔ آنها در این مجال کوتاه نمی‌گنجد. امّا آنچه ذکر آن خالی از لطف نیست، نقش مهم و ارزنده‌ای است که هر یک از محدّثین و راویان حدیث، در انتشار و انتقال علوم و اسرار معارف محمّدی ﷺ و استمرار دین مبین اسلام و مذهب ناب تشیّع جعفری ایفا کرده‌اند؛ به طوری که بدون تردید، می‌توان گفت اکثر احکام شرعیّهٔ اسلام و علوم و معارف شیعه مدیون آنها و احادیث نقل شده از آنهاست.

سلسلهٔ راویانی که از پیامبر خاتم ﷺ و دختر گرامی علیها السلام و وصیّ بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصومشان و همچنین بعضی از صحابه، همچون سلمان، مقداد، ابوذر و برخی از همسران پیغمبر، مانند امّ‌سلمه با واسطه‌های اندک یا بدون واسطه، حدیث یا احادیثی را روایت کرده‌اند، به لحاظ صحّت روایت و مستند بودن احادیثشان، بسیار مورد توجّه علما، فقها و دانشمندان قرار گرفته‌اند.

زینب کبری(س) یکی از راویان مورد وثوق شیعه است که بدون واسطه، به بیت زهرا علیها السلام و علی علیه السلام متصل بوده است. «محدّثه» یکی از القابی است که برای بانو ذکر شده و این خود به تنهایی، بیانگر نقش وی در نقل احادیث و روایات است. اگر چه از روایات منقول از وی اطّلاع زیادی در دست نیست، امّا همان روایات معدود باقی مانده از آن حضرت نشان‌دهندهٔ مقام روایی وی است.

اکنون به گوشه‌ای از گواهی مورّخان، علما و محدّثان به مقام روایی زینب(س) اشاره می‌کنیم.

۱. ابن سعد در الطبقات الکبری، زینب(س) را جزء راویانی ذکر می‌کند که از همسران پیامبر و دیگران (و آنها از پیامبر ﷺ) حدیث نقل کرده‌اند. (۶: ج ۸، ص ۴۶۱)

۲. علّامه جعفر نقدی به نقل از عمادالمحدّثین آورده که او (زینب کبری) از

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

مادرش روایت می‌کرده است.[1] مرحوم طبرسی در اعلام الوری بر این قول تأکید می‌کند و می‌گوید: او از مادرش فاطمه علیها السلام حدیث نقل می‌کرده است.[2]

۳. علّامه مامقانی او را از محدّثات شمرده و دربارهٔ آن علیا مخدّره نوشته است: صدوق او را در مشیخه نام برده ... و ابن‌اثیر در اسدالغابه او را از صحابه دانسته است ... و من می‌گویم:

زَینَبُ، وَ ما زَینَبُ وَ ما ادریكَ ما زَینَبُ! هِيَ عَقیلَةُ بَني هاشِمٍ وَ قَد حازَت مِنَ الصِّفاتِ الحَمیدَةِ ما لم یَحزها بَعدَ أُمّها حتّی حقّ أن یقال هي الصدّیقة الصغری.

زینب! زینب کیست؟! تو چه می‌دانی که زینب کیست؟ او عقیلهٔ بنی‌هاشم است که در صفات ستوده، برترین است و کسی جز مادرش بر او برتری ندارد؛ تا جایی که اگر او را صدّیقهٔ صغری بخوانیم، حق گفته‌ایم.[3]

۴. ابوالفرج اصفهانی، صاحب مقاتل‌الطالبیّین، در مورد آن حضرت از ابن‌عبّاس این‌گونه می‌نویسد:

«**حدّثنا عقیلتنا:** *عقیلهٔ ما برایمان روایت کرد.*» (۸: ص ۹۱)

۵. ابن‌اثیر نام زینب(س) را در زمرهٔ اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله ذکرکرده و درباره او می‌گوید: «**كانَت زَینَبُ امرَأةٌ عاقِلَة لبیبة جَزلَة... و كلامها لیزید... مشهور مذكور في التاریخ، و هو یدلّ علی عقل و قوّة جنان:** *زینب زنی عاقل، خردمند و با منطق قوی بود... و سخن او با یزید، مشهور و مذکور در تاریخ است و این سخنان دلیل بر عقل و قوّت قلب اوست.* (۵: ج ۵، ص ۳۰۰)

با استناد به احادیث نقل شده از عقیلهٔ بنی‌هاشم و سخن محدّثین و مورّخین بزرگ شیعه و سنّی در مقام روایی آن حضرت، می‌توان گفت این بانوی بزرگ، جزء

۱. زینب کبری، علامه نقدی، ص ۵۷.
۲. اعلام الوری، ص ۲۹۴.
۳. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

محدّثات[1] بی‌واسطه از بیت وحی بوده است.

زینب کبری(س) و اخبار عاشورا

پس از حادثه عاشورا، امویان تلاشهای فراوانی در بی‌اهمّیّت جلوه‌دادن، مخفی کردن و دفن این واقعه کردند؛ امّا علی رغم این تلاشها، شرح این واقعه از طریق افراد گوناگونی، سینه به سینه، نقل شد. افرادی مانند: عبدالله حرّ جعفی، دو تن از اصحاب سیدالشهداءعلیه‌السلام که تا ظهر عاشورا در معیّت آن حضرت بوده و ظهر روز دهم آن حضرت را ترک کردند، چند تن از یاران سیّدالشهداء که بر اثر جراحات زیاد بیهوش شده بودند و از گزند سپاه عمر سعد در امان ماندند، تعدادی از افراد سپاه عمر سعد و...

اینها کسانی بودند که به ذکر وقایع عاشورا پرداختند وگفتار آنان از راه دست نوشته‌هایشان یا از سینه‌ای به سینه دیگر به ابی‌مخنف، سیّد ابن‌طاووس، محمّدبن جریر طبری، شیخ مفید، علّامه مجلسی و دیگران رسید تا اوّلین مقاتل معتبر و مکتوب از این طریق به ما برسد.

امام علیّ‌بن الحسین‌علیه‌السلام و یکایک بانوان حرم حسینی و اسرای باز ماندهٔ این کاروان نیز نقش شگرفی در خنثی‌کردن تلاشهای امویان و بازگوکردن وقایع عاشورا داشتند. این بزرگواران از هر فرصتی برای شرح جزئیّات ما وقع این قیام، از نامه‌نگاریها و دعوت کوفیان تا قتل سیدالشهداءعلیه‌السلام و اصحابش و غارت اموال و صدمه خوردن کودکان و اهل حرم استفاده کردند به تبیین مبانی قیام سیدالشهداءعلیه‌السلام پرداختند.

یکی از راویان این واقعه ـ که شاهد حوادث اسفناک کربلا بود ـ زینب کبری(س) است. او خود عامل اصلی اقامهٔ عزا در میان زنان مدینه بود. امّا عمر کوتاه بانو و

۱. زنان راوی احادیث.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

فشار و خفقان موجود از سوی حکومت بنی‌امیّه در این خصوص، ما را از دسترسی به اسرار نهفته در سینهٔ آن بزرگوار محروم کرده؛ به طوری که دستیابی به اخبار عاشورا، منقول از زینب کبری(س) بسیار محدود است.

حدیث طولانی امّ ایمن یکی از احادیثی است که زینب(س) در روز عاشورا برای علیّ‌بن الحسین علیه‌السلام بازگو کرد. این حدیث در کتاب کامل الزیارات ابن‌قولویه به طور کامل، نقل شده و طیّ آن برخی از مصائب خاندان وحی ـ که جبرئیل برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بازگفته بود ـ بیان شده است. (۷: ص ۵۶۶ ـ ۵۷۱)[1]

کسانی که بانو از آنها روایت کرده است

شاید بتوان گفت به دلیل زمان کوتاه زندگی حضرت فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام و جوّ حاکم بر شهر مدینه و اوضاع سیاسی زمان، خصوصاً پس از رحلت نبیّ مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، زینب کبری(س) از جمله راویان معدود و اندکی است که احادیثی را از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام نقل کرده است. از جمله احادیثی که او از مادرش زهرا علیهاالسلام نقل کرده، خطبهٔ مشهور فدکیّه است که در این مجال، اشارهٔ مختصری به سند آن می‌کنیم:

شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) در «علل الشرایع» و همچنین من لا یحضره الفقیه» خطبهٔ فدکیّهٔ حضرت فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام را با سه سند مختلف ذکر می‌کند که در هر سهٔ آنها سر سلسلهٔ روات، عقیلهٔ بنی‌هاشم است. در اینجا به سلسلهٔ راویان یکی از این سندها اشاره می‌شود:

حدّثنا محمّدبن موسى بن المتوكّل، قال حدّثنا عليبن الحسين السعدآباديّ، عن أحمدبن أبيعبدالله البرقيّ، عن اسماعيلبن مهران، عن أحمدبن محمّدبن جابر، عن زينب بنت عليّ، قالت، قالت فاطمة في خطبتها... (۲: ج ۱، ص ۳۳۰؛ ۳: ج ۳، ص ۵۷۶)

۱. گزارشی از این روایت در مقالهٔ دکتر نادر فضلی در همین شمارهٔ سفینه آمده است. (ویراستار)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

در تأیید نقل شیخ در علل الشرایع، ابوالفرج اصفهانی درکتاب مقاتلش این‌گونه آورده است: «**العقيلةُ هي التي روى ابن‌عباس، عنها كلام فاطمة في فدك**: عقیله همان است‌که ابن‌عبّاس کلام فاطمه را در مورد فدک از او روایت‌کرده است. (۸: ص ۹۱)

ابن ابی‌الحدید معتزلی نیز در شرح نهج البلاغه‌اش (نامهٔ ۴۵) در توضیح این عبارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «**بَلى كانَت في أيدينا فدك**» می‌نویسد:

«**قال أبوبكر، حدّثني محمّدبن زكريّاء، قال حدّثني جعفربن محمّدبن عمارة الكنديّ، قال حدّثني أبي، عن الحسين‌بن صالح‌بن حيّ، قال حدّثني رجلان من بني‌هاشم، عن زينب بنت علىّ‌بن‌ابي‌طالب عليه السلام**... (۱: ج ۲۱، ص ۲۱۱)

در هر حال، به‌گواهی تاریخ و آنچه به دست ما رسیده، زینب‌کبری(س) یکی از راویان اصلی خطبه غرّای حضرت زهرا علیهاالسلام در خصوص فدک است.

دیگر کسانی‌که آن حضرت از آنها روایت نقل‌کرده و در سلسله روات حدیث‌کم و بیش به آنها اشاره شده است عبارت‌اند از:

علیّ‌بن ابی طالب علیه‌السلام [۱]

حسن‌بن علی علیه‌السلام [۲]

حسین‌بن علی علیه‌السلام [۳]

همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۶: ج ۸، ص ۴۶۱)

امّ‌ایمن (۷: ص ۵۶۷)

امّ‌هانی [۴]

۱. زینب کبری، ص ۵۷.
۲. همان.
۳. همان.
۴. زینب کبری، ص ۵۷.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

اسماء بنت عمیس[1]

و...

آنان که از او روایت کرده‌اند

از میان کسانی که از او روایت نقل کرده‌اند، می‌توان به روایات نقل شده از امام زین‌العابدین علیه‌السلام اشاره کرد. (۷: ص ۵۶۷) در اینجا به اختصار، اشاره‌ای می‌کنیم به نام کسانی که به جز امام چهارم، از او نقل حدیث کرده‌اند و تاریخ نام ایشان را ذکر کرده است؛ کسانی همچون:

فاطمه، بنت حسین‌بن علیّ‌بن ابی طالب علیه‌السلام (۱۰: ج ۲۱، ص ۳۴۵)

عبدالله‌بن عبّاس‌بن عبدالمطّلب مشهور به ابن‌عبّاس (۸: ص ۹۱)

زیدبن علیّ‌بن حسین[2]

احمدبن محمّدبن جابر (۲: ج ۱، ص ۳۲۱ ـ ۳۲۰)

عطاءبن سائب[3]

محمّدبن عمرو[4]

عبّاد عامری[5]

جابربن عبدالله انصاری[6]

عبدالله‌بن جعفر و...[7]

۱. محدثات شیعه، ص ۱۹۸.
۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۳۹
۳. محدثات شیعه، ص ۱۹۸.
۴. همان.
۵. همان.
۶. همان.
۷. زینب کبری، ص ۵۷.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

برخی از احادیث مروی ازعلیا مخدره، زینب کبری

همان طور که گفته شد، به دلیل عمر کوتاه بانو، خفقان حکومت بنی‌امیّه، درگیری برادر بزرگوارش با آل‌امیّه و همراه بودن این بزرگوار در اکثر لحظات با برادر، احادیث نقل شده از وی در تاریخ آن چنان‌که در خور مقام علمی و روایی آن عزیز است، به چشم نمی‌خورد؛ امّا از میان همان تعداد احادیث اندک نقل شده، دُرَرِ گرانبهایی به دست شیعه رسیده که از میان آنها می‌توان به احادیث زیر اشاره کرد:

۱. حدیث نزول مائده بر مادرش زهرای اطهر علیها السلام [1]

۲. حدیث الجار ثمّ الدار [2]

۳. حدیث مشتمل بر کیفیّت دفن پدر بزرگوارش (۷: ص ۵۶۷)

۴. حدیث متضمّن بر کیفیّت ولادت برادرش امام حسین‌بن علی علیهما السلام [3]

۵. حدیث امّ ایمن (۷: ص ۵۶۶ ـ ۵۷۱)

و احادیث دیگر.

در پایان، از باب تیمّن، حدیثی مشهور به فاطمیّات [4] از بانو عقیلهٔ بنی‌هاشم(س) تقدیم می‌کنیم. امید است تمامی شیعیان از گنجینهٔ ارزشمند آل الرسول صلی الله علیه و آله بهرمند گردند.

«... عن فاطمة بنت السجّاد عليّ‌بن الحسين عليهما السلام، عن فاطمة بنت أبي عبدالله الحسين عليه السلام، عن زينب بنت أميرالمؤمنين عليّ عليه السلام، عن فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله، قالت: ألا مَن ماتَ على حُبّ آل مُحَمَّد صلی الله علیه و آله مات شهيدا.

«... نقل کرد زینب دختر امیرالمومنین علی علیهما السلام از فاطمه بنت رسول خدا صلی الله علیه و آله که

---

۱. ثاقب فی المناقب، ص ۲۹۶ و ۲۹۵.

۲. زینب کبری، ص۶۳.

۳. زینب کبری، ص۶۳

۴. علّت شهرت این حدیث به حدیث فاطمیّات این است که تمامی راویان آن به جز دو تن، همگی فاطمه نام دارند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

گفت: بدانید، هرکس بر دوستی آل محمد ﷺ بمیرد، شهید است.» (۱۰: ج ۲۱، ص ۳۴۵)

منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبةالله. **شرح نهج البلاغه.** تحقیق: محمّد ابوالفضل ابراهیم. دار احیاء الکتب العربیّه، ۱۹۶۲ م.

۲. ابن‌بابویه قمّی، محمّدبن علی. **علل الشرایع.** مقدّمه: محمّد صادق بحر العلوم. قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۵ هـ ق.

۳. **من لا یحضره الفقیه.** تصحیح: علی اکبر غفّاری. قم: جامعهٔ مدرّسین.

۴. **کمال‌الدین و تمام‌النعمه.** ترجمهٔ کمره‌ای. تهران: انتشارات اسلامیّه، ۱۳۹۶ هـ ق.

۵. ابن‌اثیر، علیّ‌بن محمّد جزری. **اسدالغابه فی معرفة الصحابه.** تحقیق: الشیخ خلیل مامون شیحا. بیروت: دارالمعرفه.

۶. ابن‌سعد، محمّد. **الطبقات الکبری.** بیروت: دار صادر، ۱۳۷۷ هـ ق.

۷. ابن‌قولویه قمّی، جعفربن محمّد. **کامل الزیارات.** ترجمهٔ امیر وکیلیان. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.

۸. ابوالفرج اصفهانی، علیّ‌بن الحسین. **مقاتل الطالبیّین.** بیروت: دار المعرفه.

۹. امین، سیّد محسن. **اعیان الشیعه.** تحقیق: حسن امین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.

۱۰. بحرانی، عبدالله. **عوالم للعلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال.** قم: مدرسة الامام المهدی، ۱۴۰۹ هـ ق.

۱۱. پیشوایی، مهدی. **شام سرزمین خاطره‌ها.** تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.

۱۲. جزائری، نورالدین. **الخصائص الزینبیّه.** محقّق: ناصر باقری بیدهندی. قم: مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۸۳ ش.

۱۳. صدر حاج سیّد جوادی، احمد. **دائرة المعارف تشیع.** تهران: انتشارت شهید محبّی، ۱۳۸۱ ش.

۱۴. طبرسی. **احتجاج.**

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]